

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۲۱

تاریخ تصویب مقاله: ۹۳/۱۲/۱۵

جنسیت، نقش‌های جنسیتی و اضطراب در دانش‌آموزان مدارس شهرستان زابل

دکتر مهناز علی‌اکبری دهکردی*، حسنیه شهریاری** و مریم زارع***

چکیده

تحقیق درباره تفاوت‌های جنسیتی در ترس کودکان، عموماً نشان دهنده این بوده است که دخترها ترسو ترند و نسبت به پسرها اضطراب بیشتری را تجربه می‌کنند. فرض پیشنهاد شده برای این یافته‌ها این است که جهت‌گیری نقش جنسیتی و یا انتظارات عاملی مهم در ایجاد این مسأله باشد؛ اما این فرضیه به طور مستقیم درباره کودکان مورد بررسی قرار نگرفته است. مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است و رابطه میان داده‌های به دست آمده از پرسشنامه نقش‌های جنسیتی (مردانگی و زنانگی) و اضطراب آشکار کودکان را در یک نمونه عادی از کودکان (شامل ۲۳۴ نفر، ۱۱۵ دختر و ۱۱۹ پسر ۹-۱۲ ساله)، بررسی کرده است. نتایج نشان داد که میان نقش جنسیتی مردانه و اضطراب کودکان رابطه منفی وجود دارد؛ اما در مقابل، ارتباط معناداری میان زنانگی و اضطراب کودکان یافت نشد. این یافته‌ها نشان

* دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور

** نویسنده ی مسئول، دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ص. پ. ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران.

Shahriari.h@gmail.com

*** دانش آموخته دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور

می‌دهند که جهت‌گیری نقش جنسیتی، بویژه مردانگی، به احتمال زیاد نقش مهمی در رشد و یا ابقاء اضطراب کودکان بازی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، اضطراب، نقش‌های جنسیتی، مردانگی، زنانگی.

مقدمه

جنسیت یکی از برجسته‌ترین طبقه‌بندی‌های اجتماعی به شمار می‌رود. نه تنها می‌توان افراد را به سادگی بر اساس صفات فیزیکی به عنوان مرد یا زن طبقه‌بندی کرد؛ بلکه تمام فرهنگ‌های شناخته شده دارای تقسیم نقش‌ها و وظایف بر اساس جنس فرد هستند (اشتد، سرین، دویویس و سن^۱، ۲۰۰۲). همچنین، جنسیت برچسبی اجتماعی است که با انتظارات اجتماعی و فرهنگی در ارتباط است. در حالی که جنس، با تکیه بر توصیف زیست‌شناختی، بیشتر بر تفاوت‌های زیست‌شناختی تأکید دارد؛ بنابراین، مفهوم نقش جنسی، تعریف زنانگی و مردانگی در یک جامعه است. نقش جنسیتی، ویژگی‌ها و وظایفی است که فرهنگ، جامعه، بزرگسالان و طبیعت زیستی، از هر یک از دو جنس مرد یا زن انتظار دارد (کیانی، بهرامی و طارمیان، ۱۳۸۷).

شکل‌گیری نقش جنسیتی با ترجیحات و رفتارهای مربوط به جنسیت که جامعه پسند هستند، از همان سال‌های اولیه پیش دبستانی شروع می‌شود و عوامل زیستی، اجتماعی، والدین، رسانه‌های گروهی و بویژه عوامل فرهنگی در آن دخیل دانسته شده‌اند. دیدگاه‌های متعدد، نقش‌یابی جنسیتی را به شیوه‌های مختلفی تبیین کرده‌اند. روانکاوی با عقده ادیپ و همانندسازی با جنس موافق، نظریه یادگیری با الگوی کسب رفتار به واسطه تقویت و مدل‌پذیری، نظریه شناختی-رشدی با هویت جنسی و سهم آن در نقش‌آموزی جنسیتی، نظریه طرح‌واره جنسیتی

¹. Julie A. Eichstedt, Lisa A. Serbin, Diane Poulin-Dubois, & Maya G. Sen

با رویکرد پردازش اطلاعات و تأکید بر فشارهای محیطی و شناخت‌های کودکان از آن جمله‌اند (همان).

جهت‌گیری نقش جنسیتی با شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی و تحول هویت جنسیتی ارتباط دارد. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی جنسیتی، اعتقادات و باورهای فرهنگی جامعه را درباره آنچه باید نقش‌های جنسیتی باشند، منعکس می‌کنند. این تصورات از نهادهایی چون خانواده و مدرسه آغاز می‌شود و در محیط‌های کاری و جمع دوستان، به تدریج از کودکی تا بزرگسالی، به افراد منتقل می‌شوند. افراد در کنش متقابل با محیط‌های اجتماعی درکی از نقش‌های جنسیتی خود به دست می‌آورند که این درک بخش مهمی از ادراک فرد نسبت به خود را تشکیل می‌دهد (ظهره‌وند، ۱۳۸۳).

باورهای جنسیتی کلیشه‌ای دو نوع باور جنسیتی زنانه و مردانه را شامل می‌شوند. بر اساس این باورهای فرهنگی، برخی صفات، ویژگی‌ها و رفتارها به صورت سنتی برای زنان و مردان مطلوب و مناسب شناخته می‌شود (همان). این نویسندگان بحث کرده‌اند که هنگامی که دختران جوان رشد می‌کنند تا تبدیل به یک زن شوند، آداب و رسوم سنتی جامعه وابستگی را ترویج می‌کنند، با شکل دادن اشتیاق و رفتارشان بوسیله تأکید بر خودمختاری و سلطه؛ در حالی که انتظار حمایت و راهنمایی را پرورش می‌دهند. در مقابل، برای پسران، جامعه‌پذیری شامل تقویت رفتار کاملاً متفاوتی است: از مردان انتظار می‌رود که مستقل، مقاوم و در رویکردشان به زندگی ابزاری باشند (اریندل و همکاران^۱، ۲۰۰۳).

یکی از مشکلاتی که ریشه‌های آن در دوران کودکی نهفته است، ترس‌ها و اضطراب‌های شدید است. هیجان ترس، هشدار دهنده است و با فعال کردن دستگاه عصبی خود مختار که با حالات فیزیولوژیک مختلفی مثل عرق کردن، لرزیدن، تنیدگی عضلانی، ناراحتی معده‌ای، نفس

¹. W.A. Arrindell, Martin Eisemann, Jo`rg Richter, Tian P.S. Oei, Vicente E. Caballo, Jan van der Ende, Ezio Sanavio, Nuri Bage's, Lya Feldman, Ba`rbara Torres, Claudio Sica, Saburo Iwawaki, Chryse Hatzichristou

نفس زدن و تپش قلب نمود می‌یابد، شخص را آمادهٔ پاسخ "جنگ یا گریز" می‌کند؛ یعنی یا شخص می‌گریزد یا می‌جنگد (بارلو، چورپیتا، و تارووسکی^۱، ۱۹۹۶). این پاسخ‌ها با از بین رفتن تهدید واقعی یا ذهنی، محو می‌شوند. اضطراب بر خلاف واکنش هشدار دهنده و فوری ترس، نوعی هیجان یا حالت خلقی است که مشخصهٔ آن عاطفهٔ منفی؛ برای مثال، تنش و ناآرامی و بیمناکی و نگرانی است. نشانه‌های فیزیولوژیک اضطراب عبارتند از: بی‌قراری، تند شدن ضربان قلب و تندی عضلانی. اضطراب انسان را وا می‌دارد برای آینده برنامه‌ریزی کرده و وقایع آتی را اداره کند (برای مثال، اضطراب کودک را وا می‌دارد برای امتحان درس بخواند یا عملکرد خود را بهتر کند). سازهٔ "نگرانی"، درک دو مفهوم ترس و اضطراب را برای ما سخت‌تر می‌کند. سازهٔ نگرانی از این جهت مهم است که نگرانی یکی از مؤلفه‌های اصلی اختلالات اضطرابی کودکان در DSM-V است. نگرانی بر خلاف اضطراب که واکنش هیجانی پیچیده‌ای است و مؤلفه‌های شناختی، فیزیولوژیک و حرکتی دارد، جزء مؤلفه‌های شناختی اضطراب است (بارلو^۲، ۲۰۰۲).

دیدگاه‌های نظری، ترس و اضطراب را به شیوه‌های گوناگونی توجیه کرده‌اند: زیگموند فروید اضطراب را نتیجهٔ مستقیم سرکوب‌گری دانسته است. این مکانیسم با بیرون راندن تجسم کشاننده‌ای به خارج از میدان هوشیاری، موجب می‌شود که بخشی از لیبدو به‌کار گرفته نشود و همین بخش است که بلافاصله تبدیل به اضطراب می‌شود. آنا فروید بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۲ به شکل‌های مختلف اضطراب را در خلال نخستین سال‌های زندگی توصیف کرده است و معتقد است که هر شکلی از اضطراب مشخص‌کنندهٔ مرحلهٔ خاصی از تحول است. بر طبق الگوهای رفتاری، اضطراب یک واکنش شرطی در مقابل محیطی خاص است. رفتاری نگران، عقیده دارند که افراد مبتلا به هراس یا اضطراب تعمیم یافته، نخست از راه شرطی شدن ترس را می‌آموزند و

¹. Barlow, D. H., Chorpita, B. R., & Turovsky, J.

². Barlow

سپس اجتناب از پاره‌ای از اشیا، موقعیت‌ها یا رویدادها را فرا می‌گیرند. آنهایی که واجد اختلال‌های هراسی هستند، ترس یا اجتناب از تعداد محدودی از موقعیت‌ها یا اشیا را آموخته‌اند در حالی که طیف این گونه ترس‌ها در مبتلایان به اضطراب تعمیم یافته بسیار گسترده است (دادستان، ۱۳۷۶).

از شیوه‌های معمولی اکتساب واکنش‌های ترس نسبت به اشیا یا موقعیت‌هایی که به خودی خود خطرناک نیستند، می‌توان به شرطی شدن کلاسیک، مشاهده و تقلید و یادگیری اجتنابی اشاره نمود.

اغلب نظریه‌پردازان شناختی‌نگر بر این نکته تأکید دارند که اختلال‌های اضطرابی تعمیم یافته، از باورهای نامناسب ناشی می‌شوند. نظریه‌های بک و ایس که بر موضع‌گیری‌های پیشین مبتنی بودند، فرآیندهای شناختی را به منزلهٔ محور اصلی رفتار، فکر و هیجان تلقی کردند. ایس معتقد است که پاره‌ای از افراد دارای باورهای بنیادی غیر منطقی هستند که بر چگونگی تفسیر آنها از رویدادها مؤثر است و واکنش‌های هیجانی نامناسبی را در پی دارد (دادستان، ۱۳۷۶).

شواهد قابل توجهی وجود دارد که نقش جنسیتی به طور معنی‌داری با علائم اضطراب و ترس در ارتباط است. در دیدگاه کلاسیک فودور (۱۹۷۴)، فرض شده است که رفتار ترس از هر نوعی، با تعریف سنتی نقش‌های زنانه سازگار است (مانند هیجانی بودن، سلطه‌پذیری، تحریک‌پذیری، انفعالی بودن، خانه‌گرا بودن، بدون حادثه‌جویی، بدون تجربهٔ سلطه و رقابت، نشان دادن فقدان جرأت و نیاز شدید به امنیت و وابستگی) (اریندل و همکاران، ۲۰۰۳). در بازنگری شواهد تجربی، اریندل، کالک، پیکرسگیل، و هاگمن (۱۹۹۳) در واقع هیچ حمایتی برای پیشنهاد فودور برای وجود ارتباط مثبت میان صفات زنانه و ترس‌های شدید نیافتند. در عوض، بر اساس تحقیق روی نقش‌های جنسیتی و سلامت روان به طور کلی، مشاهده کردند که فقدان صفات مردانه با ترس شدید همراه است (همان).

علی‌رغم بررسی نقش جهت‌گیری جنسیتی در اضطراب در نمونهٔ بزرگسال، در کودکان کمتر به این موضوع توجه شده است. همان‌گونه که قبلاً به تفصیل شرح داده شد، جهت‌گیری

نقش جنسیتی از کودکی آغاز می‌شود و اولین نشانه‌های اضطراب نیز در کودکی ریشه دارند؛ بنابراین، با توجه به عدم وجود تحقیقات مکفی در زمینه رابطه میان نقش جهت‌گیری جنسیتی بر اضطراب کودکان در ایران و دنیا، نیاز است این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

سؤال‌های پژوهش:

۱- آیا بین نقش‌های جنسیتی کودکان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

۲- آیا بین اضطراب کودکان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

۲- آیا بین جهت‌گیری نقش جنسیتی کودکان دختر و پسر و میزان اضطراب آنان رابطه

وجود دارد؟

روش پژوهش

طرح آزمایشی مورد استفاده از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان ۹-۱۲ ساله مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ در مدارس دبستان و راهنمایی شهرستان زابل بود. نمونه به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد؛ ابتدا، دو مدرسه راهنمایی پسرانه، دو مدرسه راهنمایی دخترانه، چهار دبستان دخترانه و چهار دبستان پسرانه شهر زابل به تصادف انتخاب شد و از هر مدرسه چند کلاس به تصادف انتخاب شده و دانش‌آموزانی که دارای شرایط ورود به تحقیق بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. هنگامی که نمونه به حد قابل قبولی برای تحقیقات همبستگی رسید، ۲۳۴ نفر شامل ۱۱۵ دختر و ۱۱۹ پسر ۹-۱۲ ساله، فرایند نمونه‌گیری متوقف شد. ملاک‌های ورود به تحقیق عبارت بودند از: موافقت والدین برای شرکت در تحقیق، عدم ابتلا به بیماری روانپزشکی شدید، فقدان قطع عضو و نقص عضو، عدم طلاق والدین و خانواده‌های تک والدینی.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه نقش جنسیتی کودکان^۱

پرسشنامه نقش جنسیتی کودکان برگرفته از پرسشنامه نقش جنسیتی بم^۲ است و برای ارزیابی صفات زنانگی و مردانگی مورد استفاده قرار گرفته است. برای هر کدام از خرده مقیاس‌ها (زنانگی و مردانگی) نمرات جداگانه‌ای از طریق محاسبه میانگین آیت‌های مربوط به هر خرده مقیاس، بدست آمد؛ نمرات بالاتر نشان دهنده سطوح بالاتر زنانگی / مردانگی است. هر خرده مقیاس شامل ۲۰ آیت است (۲۰ آیت خنثی هستند و نقش پرکننده دارند) و کودکان در یک مقیاس ۴ گزینه‌ای مشخص می‌کنند که هر آیت چقدر درباره آنها صحیح است (اصلاً درباره من صحیح نیست تا بسیار صحیح است). آیت‌های خرده مقیاس زنانگی؛ به عنوان نمونه: شامل «من فرد مؤدبی هستم»، «هنگامی که افراد به کمک من نیاز داشته باشند، من متوجه می‌شوم». آیت‌های خرده مقیاس مردانگی؛ شامل: «می‌توانم از خودم مراقبت کنم»، «در میان دوستانم، من یک رهبر هستم». ویژگی‌های روانسنجی (همسانی درونی و پایایی آزمون - بازآزمون) قابل قبول بودند (بولدیزار، ۱۹۹۱)؛ به عنوان مثال، ضرایب همسانی درونی برای خرده مقیاس‌های زنانگی و مردانگی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۵ بود. روایی سازه پرسشنامه نقش جنسیتی کودکان از طریق همبستگی خرده مقیاس‌های مردانگی و زنانگی بوسیله مقادیر نقش جنسیتی (زنانگی و مردانگی) به دست آمده از پرسشنامه ترجیحات اسباب بازی حمایت شده است (همان).

از آنجایی که این پرسشنامه بر روی نمونه داخلی هنجار نشده بود، پس از ترجمه به زبان فارسی، به منظور تأیید روایی صوری و محتوایی، به تأیید متخصصین رسید و روی یک نمونه ۳۰ نفری از کودکان ۹-۱۲ ساله به طور مقدماتی اجرا شد تا مشکلات احتمالی کودکان در درک سؤال‌ها بررسی شود. در نهایت پایایی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کراباخ در نمونه حاضر ۰/۸۶ بدست آمد که از نظر آماری قابل قبول بود.

1. CSRI

2. Bem

همچنین، اخیراً پرسشنامه نقش جنسی کودکان (بولدیزار، ۱۹۹۱) توسط علی اکبری دهکردی، محتشمی، حسن‌زاده، و شهریاری (۱۳۹۳) بر روی ۴۸۳ کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله ساکن شهر تهران هنجاریابی شده است. در این پژوهش، روایی محتوایی مقیاس به روش لاواشه ۰.۸۴ و ضریب پایایی به روش آلفای کراباخ ۰.۸۶ به دست آمد که تأیید کننده روایی و پایایی مطلوب این ابزار است.

۲- مقیاس تجدید نظر شده اضطراب آشکار کودکان^۱

اولین ابزار برای اندازه‌گیری اضطراب آشکار بزرگسالان به وسیله تیلور (۱۹۵۱) گزارش شد. این ابزار از گویه‌های آزمون مینه سوتا^۲ استخراج شده و در شناسایی افراد با واکنش‌های اضطرابی مزمن مفید تشخیص داده شده بود. چند سال بعد، کاستندا، مک کندلس و پالمو (۱۹۵۶) فرم کودکان را برای سنجش مقیاس اضطراب آشکار^۳ تهیه کردند. این مقیاس شامل ۴۲ گویه مربوط به اضطراب و ۱۱ گویه دیگر به عنوان دروغ سنج بود. رینولدز و ریچموند (۱۹۷۸) مقیاس اضطراب آشکار را از طریق حذف برخی از گویه‌ها، اضافه نمودن برخی دیگر و تغییر ترتیب گویه‌ها مورد تجدید نظر قرار دادند و هنجار جدیدی از این مقیاس را ارائه نمودند. ابزار جدید مقیاس تجدید نظر شده اضطراب آشکار کودکان^۴، «آنچه من فکر و احساس می‌کنم» نامگذاری شد. این مقیاس شامل ۳۷ گویه؛ (۲۷ گویه مربوط به اضطراب و ۹ گویه دروغ سنج) است که در مقابل هر گویه پاسخ "بلی" یا "خیر" وجود دارد. نمره این مقیاس از مجموع تمام پاسخ‌های "بلی" به گویه‌ها محاسبه می‌شود. سطح خواندن گویه‌ها به طور میانگین برای یک کودک ۸ ساله در فرهنگ اصلی تنظیم شده است (تقوی، ۱۳۸۴).

۱. RCMAS

۲. MMPI

۳. CMAS

۴. RCMAS

در خصوص روایی مقیاس RCMAS تاکنون مطالعات فراوانی صورت گرفته است و روایی سازه، همزمان، محتوا و پیش‌بین این مقیاس در پژوهش‌های متفاوتی مورد تأیید قرار گرفته است (رینولدز و ریچموند، ۱۹۷۹؛ رینولدز، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱؛ کری، فاس تیچ و کری، ۱۹۹۴؛ پرین و لست، ۱۹۹۲). همچنین مطالعات متعدد در مورد پایایی مقیاس RCMAS حکایت از ثبات نتایج با استفاده از روش‌های بازآزمایی و آلفای کرانباخ دارد (ویس نیوسکی، مولیک، گن شفت، و کوری، ۱۹۷۸؛ رینولدز و پجت، ۱۹۸۲؛ کلین و لست، ۱۹۸۹؛ ویلسون، چی بایوآ، مجونی، مسوکومی و همکاران، ۱۹۹۰). همچنین در مطالعه اشمن (۲۰۰۷) که جهت بررسی مقایسه‌ای بین ابزارهای متعدد سنجش اضطراب صورت گرفت، RCMAS با دارا بودن پایایی درونی ۰/۸۳ در مقیاس کلی اضطراب جزو هفت مقیاس برتر جهت ارزیابی اضطراب معرفی شد.

نتایج

میانگین نمرات کسب شده از پرسشنامه نقش‌های جنسیتی و مقیاس تجدید نظر شده اضطراب آشکار کودکان برای پسرها و دخترها و کل نمونه در جدول ۱ نشان داده شده است. نتایج مقایسه‌های t -test نشان دادند که پسرها به طور معنی داری نمرات بالاتری در خرده مقیاس مردانگی نسبت به دخترها کسب کرده‌اند (جدول ۲). همچنین، دخترها به طور معنی داری نمرات بالاتری در خرده مقیاس زنانگی نسبت به پسرها کسب کردند (جدول ۳) و در مقایسه میانگین‌های اضطراب آشکار کودکان دختر و پسر، دختران از اضطراب بیشتری برخوردار بودند (جدول ۴). همچنین، ضریب همبستگی پیرسون میان خرده مقیاس‌های زنانگی و مردانگی $r = 0.691$ ($p < 0.01$) بدست آمد. نتایج همبستگی پیرسون میان نمرات مردانگی و زنانگی و اضطراب در جدول ۵ نشان داده شده است. بین متغیر سن و نقش‌های جنسیتی و یا میزان اضطراب، رابطه معنی داری وجود نداشت.

جدول ۱. میانگین نمرات و انحراف استاندارد نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه و اضطراب آشکار پسران، دختران و کل نمونه

نقش جنسیتی زنانه			نقش جنسیتی مردانه			اضطراب آشکار کودکان			
کل نمونه	پسر	دختر	کل نمونه	پسر	دختر	کل نمونه	پسر	دختر	
۵۳,۹۲	۴۹,۶	۵۸,۳۸	۷۳,۴۸	۷۶,۵۵	۷۰,۵۱	۲۲,۱۲	۲۰,۶۸	۲۳,۵۱	میانگین
۸,۳۹	۶,۵۸	۷,۷۱	۶,۹۹	۶,۴۸	۶,۱۵	۴,۲۹	۵,۰۴	۲,۷۹	انحراف استاندارد
۲۳۴	۱۱۹	۱۱۵	۲۳۴	۱۱۹	۱۱۵	۲۳۴	۱۱۹	۱۱۵	تعداد نمونه

جدول ۲. آزمون t مستقل بین نقش جنسیتی مردانه کودکان دختر و پسر

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰,۶۰	۶,۵	۷۰,۵۱	۱۱۵	دختر
۰,۵۶	۶,۴۸	۷۶,۵۵	۱۱۹	پسر

$T=7.305, df=232, sig=0.00$ (2-tailed)

بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار t محاسبه شده ($t=7,305$)، در درجه آزادی ۲۳۲ و با اطمینان ۹۹٪ ($\alpha=0,01$) معنادار است؛ بنابراین، فرض تحقیق مبنی بر تفاوت نقش جنسیتی مردانگی در دختران و پسران تأیید می‌شود.

جدول ۳: آزمون t مستقل برای مقایسه نقش جنسیتی زنانه کودکان دختر و پسر

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰,۷۲	۷,۷۱	۵۸,۳۸	۱۱۵	دختر
۰,۶	۶,۵۸	۴۹,۶	۱۱۹	پسر

$T=9.358, df=232, sig=0.00$ (2-tailed)

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳، مقدار t محاسبه شده با درجه آزادی ۲۳۲ و با اطمینان ۹۹٪ ($\alpha=0,01$) معنی‌دار است؛ بنابراین، فرض تحقیق مبنی بر تفاوت زنانگی در کودکان دختر و پسر تأیید می‌شود.

جدول ۴. آزمون t مستقل برای مقایسه اضطراب آشکار کودکان دختر و پسر

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰,۲۵	۲,۷۹	۲۳,۵۱	۱۱۵	دختر
۰,۴۷	۵,۰۴	۲۰,۶۸	۱۱۹	پسر

$t = -5.34, df = 232, sig = 0.00$ (2-tailed)

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقدار t محاسبه شده در درجه آزادی ۲۳۲ و با اطمینان ۹۹٪ ($\alpha = 0.01$) معنی‌دار است؛ بنابراین، فرض تحقیق مبنی بر تفاوت میانگین نمرات اضطراب کودکان دختر و پسر تأیید می‌شود.

جدول ۵. همبستگی پیرسون میان نمرات مردانگی و زنانگی و اضطراب کودکان دختر و پسر

اضطراب	نقش جنسیتی	جنسیت
۰,۳۲۳**	مردانگی	دختر
۰,۱۲۵	زنانگی	
۰,۱۲۸	مردانگی	پسر
۰,۱۲۱	زنانگی	
۰,۱۶۹**	مردانگی	کل نمونه
۰,۱۲۴	زنانگی	

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، نقش جنسیتی مردانه کودکان دختر دارای رابطه منفی با اضطراب ($r = -0.323, p < 0.01$) است. بدین معنی که کودکان دارای اضطراب بیشتر، از صفات مردانگی کمتری برخوردارند؛ اما هیچ رابطه معنی‌داری میان زنانگی دختران و اضطراب و مردانگی و زنانگی پسران با اضطراب وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، نتایج این تحقیق نشان داد که کودکان دختر دارای اضطراب بیشتری نسبت به پسران هستند. نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین (مانند بوردون و دیگران،

۱۹۸۸؛ ویسمن و مریکانگاس، ۱۹۸۶) همسو است. بر اساس یافته‌های منتشر شده در این پژوهش‌ها، اغلب فرضیات تحقیقی خوب تبیین شده پیش‌بینی کرده‌اند که زنان نسبت به مردان ترس و اضطراب بیشتری گزارش می‌کنند و یا نشان می‌دهند. فرض شده است که تفاوت‌های فردی در عوامل سبب‌شناسی برای اضطراب و ترس، بوسیله فرایند جامعه‌پذیری تعدیل شده باشد که انتظارات خاص جنس را برای بیان اضطراب تعیین می‌کند. این عوامل جامعه‌پذیری، به وسیله شکل‌دهی الگوهای تقویت ایجاد کننده و رشد دهنده فرایند اضطراب، بر تجلی صفات تأثیر می‌گذارند. نتایج پژوهش حاضر، با نتایج اولندیک (۱۹۸۳)، مبنی بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در گزارش ترس، در کودکان ۹-۱۲ ساله، نیز مطابقت دارد. همچنین اندرسون، ویلیامز، مک گی و سیلوا (۱۹۸۷)، دریافتند که در میان کودکان، دختران نسبت به پسران بیشتر احتمال دارد که یک اختلال اضطرابی را تجربه کنند؛ به عنوان مثال، در یک نمونه ۱۰۷۹ تایی از نوجوانان، لوینسون، گوتلیب، لوینسون، سیلی، و آلن (۱۹۹۸) دریافتند که دختران نسبت به پسران بیشتر احتمال دارد که یک تشخیص اضطرابی فعلی یا در طول عمر داشته باشند. دوران اولیه کودکی به نظر می‌رسد که یک دوره افزایش آسیب‌پذیری در مقابل اضطراب بیش از حد در میان دختران را نشان می‌دهد. در سن ۶ سالگی، دختران ۲ برابر پسران احتمال دارد یک اختلال اضطرابی را تجربه کنند (اندرسون و دیگران، ۱۹۸۷).

همچنین، یافته‌های این تحقیق شواهدی برای وجود رابطه میان جهت‌گیری نقش جنسیتی و ترس در کودکان فراهم نموده است. بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، رابطه معناداری میان نقش جنسیتی زنانه و اضطراب یافت نشد؛ اما رابطه منفی و معناداری میان نقش جنسیتی مردانه و اضطراب کودکان وجود داشت. طبق نتایج موریس، میسترز و نوپز (۲۰۰۵) ترس بیشتر با سطوح بالاتر زنانگی و سطوح پایین‌تر مردانگی در میان کودکان مرتبط بوده است (گینسبورگ و سیلورمن، ۲۰۰۰). دیگران رابطه منفی با مردانگی را نشان داده‌اند (اریندل، ۲۰۰۰) و یافته‌های دیگران نشان دهنده وجود رابطه میان هم زنانگی بالا و هم مردانگی پایین با ترس ابراز شده هستند (کاری، دوسیک، و اسپکتور، ۱۹۸۸؛ گال، ۱۹۶۹).

الگوهای اجتماعی تقویت برای دختران و پسران متفاوت‌اند و برای درک تفاوت‌های جنسیتی در اضطراب، حیاتی‌اند. نظریه نقش جنسیتی بم (۱۹۸۱) ادعا می‌کند که دختران و پسران اجتماعی می‌شوند تا رفتارها، صفات، مهارت‌ها و علائق تعیین شده جامعه را که با جنسیت‌شان سازگار است، رشد دهند؛ بنابراین، به این دلیل که بیان اضطراب با نقش جنسیتی مرد ناسازگار است، رفتار حاکی از ترس در پسران ممکن است کمتر تحمل شود. پرستاران و دیگر عوامل اجتماعی (مانند معلمین، همسالان، و رسانه) ممکن است رفتارهای منطبق با جنسیت را به وسیله تقویت جرأت در میان پسران و اضطراب در میان دختران، تقویت کنند. این تحقیق اشاره می‌کند که وقتی پسرها بزرگتر می‌شوند، والدین عقب نشینی و بازداری را کمتر از آنها قبول می‌کنند تا از دختران (استونسون، هاینده و شالدیک، ۱۹۹۳). اگر بیان ترس و اجتناب در میان پسران کمتر پذیرفتنی است، ممکن است پسرها یاد بگیرند که نقش مردانگی شامل رفتار مقابله هدفمند و شجاعانه هنگام رویارویی با موقعیت‌های اضطراب‌انگیز هستند. در مقابل، نقش جنسیتی سنتی زنانه که بر خودمختاری و سلطه تأکید می‌کند، ترویج‌کننده وابستگی و انتظار حمایت است و همسازی بیشتری با رفتار اجتنابی دارد (بم، ۱۹۸۱).

گریف، آلورز، و اولمن (۱۹۸۱) دریافتند که مادران بیشتر احتمال دارد که درباره حالات هیجانی با دخترانشان صحبت کنند و در عوض به احتمال بیشتری، درباره دلایل و نتایج احساسات با پسرانشان گفتگو می‌کنند؛ بنابراین، پسران تشویق شده‌اند که به جای تجربه خود هیجان، بر حل مسأله تمرکز کنند و بر هیجانات‌شان کنترل داشته باشند. یادگیری مقابله با اضطراب در این روش تمرکز بر مسأله، ممکن است به زنان کمک کند تا به مهارت‌ها و صفات مردانه که از رشد ترس بیش از اندازه و دیگر اختلالات اضطرابی جلوگیری می‌کنند، مجهز شوند.

محدودیت‌ها

○ محدود بودن جامعه آماری و عدم گستردگی نمونه‌گیری در سطح استان و کشور به دلیل کمبود منابع مالی و انسانی.

پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود این تحقیق به صورت استانی و کشوری انجام شود.
- پیشنهاد می‌شود میزان ابزاری بودن (مردانه) و زنانگی زنان و مردان قومیت‌های مختلف و میزان اضطراب تجربه شده آنان، برای اندازه‌گیری تأثیر فرهنگ، مقایسه شود.
- بر اساس یافته‌های حاضر، پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌هایی که صفات ابزاری بودن کودکان را تقویت می‌کند، از سنین کودکی آغاز شوند و آموزش‌های لازم به والدین کودکان نیز امری ضروری می‌نماید.

تقدیر و تشکر

در نهایت، از همکاری صمیمانه والدین و اولیای مدارس دخترانه و پسرانه شهرستان زابل کمال تشکر را داریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. بستان، حسین (۱۳۸۵). *بازنگری نظریه‌های نقش جنسی*. پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۳۱-۵.
۲. جوکار، فرحناز؛ طاهری ازبرمی، زهرا؛ پورنجف، حیران (۱۳۹۰). *بررسی نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر نسبت به نقش جنسیتی خود و جنس مخالف*. پژوهش پرستاری دوره ۶ شماره ۲۳، صص ۱۴-۶.
۳. خمه، اکرم (۱۳۸۶). *بررسی نقش عوامل فرهنگی اجتماعی بر طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران*. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۲۹.
۴. خمه، اکرم (۱۳۸۳). *بررسی طرح‌واره‌های نقش جنسیتی و کلیشه‌های فرهنگی در دانشجویان دختر*. مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۳۴-۱۱۵.
۵. خمه، اکرم (۱۳۸۶). *بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل*. مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده: خانواده پژوهشی، سال دوم، شماره ۸.
۶. خمه، اکرم (۱۳۸۶). *بررسی رابطه میزان افسردگی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دانشجویان متأهل*. مقایسه زنان و مردان دانشجو: فصلنامه خانواده و پژوهش، سال اول، شماره ۱.
۷. خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر بر نگرش نقش جنسیتی دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد*. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد بیست و هشتم، شماره ۷، صص ۱۳۴-۱۱۵.
۸. دادستان، پریخ (۱۳۷۶). *روانشناسی مرضی تحولی، از کودکی تا بزرگسالی* (جلد اول)، تهران: انتشارات سمت.
۹. شریفی، شادی (۱۳۸۴). *مقایسه میزان هموابستگی در زنان با نقش‌های جنسیتی گوناگون (زنان، مردانه، دو جنسیتی، نامتمایز)*. پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۶۷-۴۹.

۱۰. ظهره‌وند، راضیه (۱۳۸۳). *رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس*. پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۲۵.
۱۱. ظهره‌وند، راضیه (۱۳۸۹). *مقایسه مفهوم خود کارآمدی تحصیلی، هوش هیجانی، باورهای جنسیتی و رضایت از جنس دختران*. مطالعات روانشناختی، دوره ۶، شماره ۳.
۱۲. عبدی، بهشته؛ شهرآرای، مهرناز؛ و فراهانی، محمد نقی (۱۳۸۴). *بررسی رابطه بین جنس و نقش‌های جنسیتی با ترس از موفقیت در دانشجویان*. مجله روانشناسی ۳۴، سال نهم.
۱۳. عسگری، پرویز؛ شباک، روشنک (۱۳۸۹). *نقش تصویر بدنی در کیفیت زندگی، رضایت از زندگی، نگرش نقش جنسی و عزت نفس*. اندیشه و رفتار، دوره ۵، شماره ۱۷.
۱۵. علی اکبری دهکردی، مهناز؛ محتشمی، طیبه؛ حسن‌زاده، پرستو؛ شهریاری، حسنیه (۱۳۹۳). *بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس نقش جنسی کودکان در جمعیت ایرانی*. دو فصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۵، صص ۷-۱۵.
۱۴. کیانی، قمر؛ بهرامی، هادی؛ طارمیان، فرهاد (۱۳۸۷). *نگرش دانشجویان و کارمندان به نقش جنسیتی در بعد برابر خواهی در شهر زنجان*. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره ۱۷، شماره ۶۶، صص ۷۱-۷۸.
۱۵. کیانی، قمر؛ بهرامی، هادی؛ طارمیان، فرهاد (۱۳۹۰). *مقایسه نگرش به نقش جنسیتی و رابطه آن با رضایت از زندگی در کارمندان*. مطالعات روانشناختی، دوره ۷، شماره ۱.
16. Anderson, J. C., Williams, S. M., McGee, R., & Silva, P. A. (1987). DSM-III disorders in preadolescent children: Prevalence in a large sample from the general population. *Archives of General Psychiatry*, 44(1), 69-76.
17. Arrindell, W. A. (2000). Phobic dimensions: IV. The structure of animal fears. *Behaviour Research and Therapy*, 38(5), 509-530.
18. Arrindell A. W., Eisemann M., Richter J., Oei T., Caballo E. V., Ende J., Sanavio E., Bage's N., Feldman L., Torres B., Sica C., Iwawaki S., Hatzichristou C. (2003). Masculinity-femininity as a national characteristic and its relationship with national agoraphobic fear levels: Fodor's sex role hypothesis revitalized. *Behavior Research and Therapy*, 41, 795-807.

19. Barlow, D. H. (2002). *Anxiety and its disorders: The nature and treatment of anxiety and panic*, second edition. New York: Guilford.
20. Barlow, D. H., Chorpita, B. R., & Turovsky, J. (1996). Fear, panic, anxiety, and the disorders of emotion. In D. A. Hope (Ed.), *Nebraska Symposium on Motivation: Perspectives on anxiety, panic, and fear*, 43, pp. 251-328.
21. Bem, S. L. (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review*, 88(4), 354-364.
22. Boldizar, P. J. (1991). Assessing Sex Typing and Androgyny in Children: The Children's Sex Role Inventory. *Developmental Psychology*, 27, no.3, 505-515.
23. Carey, M. P., Dusek, J. B., & Spector, I. P. (1988). Sex roles, gender and fears: A brief report. *Phobia Practice and Research Journal*, 1(1), 114-120.
24. Eichstedt A. J., Serbin A. L., Poulin-Dubois D., Sen G. M. (2002). Of bears and men: Infants' knowledge of conventional and metaphorical gender stereotypes. *Infant Behavior & Development*, 25, 296-310.
25. Gall, M. D. (1969). The relationship between masculinity-femininity and manifest anxiety. *Journal of Clinical Psychology*, 25(3), 294-295.
26. Ginsburg S. G., Silverman K. W. (2000). Gender Role Orientation and Fearfulness in Children with Anxiety Disorders. *Journal of Anxiety Disorders*, 14, No. 1, pp. 57-67.
27. Greif, E., Alvarez, M., & Ulman, K. (1981). Recognizing emotions in other people: Sex differences in socialization. Poster presented at the biennial meeting of the Society for Research in Child Development, Boston, MA.
28. McLean P. C., Anderson R. E., (2009). Brave men and timid women? A review of the gender differences in fear and anxiety. *Clinical Psychology Review*, 29, 496-505.
29. McLean P. C., Hope A. D., (2010). Subjective anxiety and behavioral avoidance: Gender, gender role, and perceived conformability of self-report. *Journal of Anxiety Disorders*, 24, 494-502.

30. Moscovitch A. D., Hofmann G. S., Litz T. B. (2005). The impact of self-construals on social anxiety: a gender-specific interaction. *Personality and Individual Differences*, 38, 659–672.
31. Muris, P., Meesters, C., & Knoop, M. (2005). The relation between gender role orientation and fear and anxiety in nonclinic-referred children. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 34, 326–332.
32. Roberts E. K., Hart A. T., Coroiu A., Heimberg G. R. (2011). Gender role traits among individuals with social anxiety disorder. *Personality and Individual Differences*, 51, 952–957.
33. Stevenson-Hinde, J., & Shouldice, A. (1993). Wariness to strangers: A behavior systems perspective revisited. In K. H. Rubin & J. B. Asendorpf (Eds.), *Social withdrawal, inhibition, and shyness in childhood* (pp. 101–116). New York: Lawrence Erlbaum.
34. Stoyanova M., Hope A. D. (2012). Gender, gender roles, and anxiety: Perceived conformability of self-report, behavioral avoidance, and physiological reactivity. *Journal of Anxiety Disorders*, 26, 206–214.
35. Todman J., Day K. (2006). Computer anxiety: the role of psychological gender. *Computers in Human Behavior*, 22, 856–869.